

ماهینامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دانش و فن شوروی بار دیگر به يك کامیابی بزرگ و دورانساز دست یافته است. «لونا ۱۷» يك آزمایشگاه سیار فضائی بنام «لوناخود» (مه پیمان) را آرام بر سطح ماه قرار داده و این آزمایشگاه تاکنون قریب ۲۰۰ متر زمین ماه را طی کرده است. ما این توفیق تازه و بزرگ دانش و فن شوروی را به مردم شوروی و حزب کمونیست شوروی صمیمانه شادباش میگوئیم.

در کنفرانس بین المللی علمی بمناسبت صد و پنجاهمین سال تولد فریدریش انگلس

مناسبت صد و پنجاهمین سال تولد فریدریش انگلس (۱۸۲۰ - ۱۹۷۰) و بنا بدعوت کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان در روزهای ۱۲ و ۱۳ نوامبر



۱۹۷۰ در شهر برلین (در بنای کمیته مرکزی) يك کنفرانس علمی تشکیل بود. در این کنفرانس نمایندگان چهل حزب و سازمان کمونیستی و دموکراتیک و نیز رهبری و کارکنان مهم حزبی دولتی و علمی جمهوری دموکراتیک آلمان شرکت جستند. از طرف حزب توده ایران رفیق احسان طبری در این جلسه شرکت نمود.

گزارش دهننده اصلی در این جلسه حزب بود که پس از نطق افتتاحی رفیق از طرف حزب سوسیالیست متحده آلمان اولبریش، رشته کلام را بدست گرفت و رفیق فریدریش ابرت عضو هیئت سیاسی این دنباله در صفحه ۷

در پایان ماه سپتامبر سال ۱۹۷۰ جلسه تبادل نظری میان نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری برای بررسی مسائل مبارزه ضد امپریالیستی تشکیل شد. از طرف حزب توده ایران نیز هیئت شرکت نمود. ذیلا متن اعلامیه‌ای که در پایان این جلسه بتصویب رسید درج میگردد.

اعلامیه مربوط به دیدار نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری

در روزهای ۲۸ - ۳۰ سپتامبر سال ۱۹۷۰ جلسه تبادل نظری میان نمایندگان ۴۵ حزب کمونیست و کارگری برای بررسی برخی از مسائل مبرم مبارزه ضد امپریالیستی تشکیل شد. هیئت‌های نمایندگی آمادگی احزاب خود را در زمینه کوشش برای توسعه همکاری و تحکیم همبستگی صفوف کمونیستها و سایر سازمانها و نیروهای ضد امپریالیستی بر پایه برابری حقوق و نیز برای تقویت اقدامات مشترک در مبارزه علیه امپریالیسم تأیید کردند. این دیدار در محیط کار جدی و با روح رفاقت و همبستگی انجام گرفت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت تشکیل دهمین کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان شادباش زیرین را ارسال داشته است.

به دهمین کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان

رفقای عزیز! صمیمانه و برادرانه شادباش میگوید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل دهمین کنگره حزب سوسیالیست کارگری مجارستان را از جانب خود و تمام اعضای حزب ما بشما نمایندگان کنگره و توسط شما تمام کمونیستها و تمام خلق قهرمان مجارستان دوران بیست و پنجاه ساله ساختمان سوسیالیسم در سرزمین مجارستان مهمترین مرحله تکاملی را در سراسر تاریخ مجارستان تشکیل میدهد. طی این مدت در حیات مردم بقیه در صفحه ۷

نامه شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به رئیس جمهوری شیلی

به حضرت دکتر سالوادور آلنده رئیس جمهوری شیلی کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب شما را بریاست جمهوری شیلی بشما و بوسیله شما به جبهه وحدت توده‌ای و تمام مردم شیلی تبریک میگوید. انتخاب شما بریاست جمهوری شیلی تنها پیروزی نیروهای دموکراتیک و شرقی دنباله در صفحه ۷

تحولی تازه در مناسبات اقتصادی ایران

با کشورهای سوسیالیستی

مرحله‌ای نوین در مناسبات اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی

صادرات ایران به شوروی در این مدت به ۷۲۰ میلیون دلار بالغ شده و در پایان مدت قرارداد به ۳ برابر صادرات در سال ۱۳۴۸ خواهد رسید. ضمناً به حجم صادرات کالا های صنعتی ایران به مراتب افزوده خواهد شد. واردات ایران از شوروی در این مدت به ۳۱۸ میلیون دلار خواهد رسید. واردات و مسائل صنعتی و فنی ایران از شوروی در پایان پنجسال ۴ برابر واردات سال ۱۳۴۸ خواهد بود. همچنین يك شرکت مختلط حمل و نقل با سرمایه برابر بمنظور حمل کالامیان دو کشور تأسیس خواهد شد.

مطابق موافقتنامه همکاریهای اقتصادی و فنی که در مهر ماه سال جاری در پایان مذاکرات سومین اجلاس کمیسیون دائمی همکاریهای اقتصادی ایران و شوروی باامضاء رسید در باره اقدامات زیرین میان دو کشور توافق اصولی بعمل آمد: ایجاد دومین لوله نخستین مذاکرات بین ایران و کنسرسیوم خود شاه پیشقدم شد و در گشایش اجلاس جدید مجلسین سنا و شورا درباره نفت و کنسرسیوم مطالبی گفت، که صرف نظر از نتیجه مذاکرات که تا این لحظه هنوز برای ما روشن نیست لازم به بررسی جدید است. شاه گفت: «هم - چنان که گفتیم مصمم هستیم که از نفت خود - دنباله در صفحه ۲

در جهت بسط مناسبات بازرگانی و اقتصادی و فنی ایران و شوروی دو گام بسیار مهم تازه برداشته شد: انعقاد قرار داد بازرگانی پنجساله جدید برای سالهای ۱۳۵۰ - ۱۳۵۴ و امضاء موافقتنامه در زمینه ایجاد همکاریهای دراز مدت اقتصادی و فنی برای ۱۵ - ۱۲ سال آینده.

مطابق قرارداد بازرگانی که در مرداد ماه سال جاری باامضاء رسید، حجم مبادلات کالائی میان ایران و شوروی در پنجسال آینده به بیش از ۱ میلیارد دلار خواهد رسید.

راه واقعی مبارزه با کنسرسیوم

اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت است. هرچه زمانی که بر سر پهای نفت بین دولت ایران و کنسرسیوم بین المللی نفت اختلاف حاصل شد و بدنبال آن اختلافات دیگری پیش آمد و مطرح گردید، بین نمایندگان کنسرسیوم و شرکت ملی نفت ایران هر سال دوبار مذاکراتی برای حل این اختلافات صورت میگیرد. و در این دوران است که مقامات دولتی و روزنامه‌های دولتی نیز به بحث و اظهار نظر در باره مناسبات ایران و کنسرسیوم میپردازند. امسال نیز پس از آغاز

تحریکات امپریالیسم در خاور میانه

متخصصان برای اجرای تصمیم شورای امنیت آغاز گردد و با تخلیه زمینهای اشغالی از طرف اسرائیل و حل بهائی بحران خاورمیانه و مسئله فلسطین صلح در این منطقه مستقر گردد. با اینکه طرح آتش بس از طرف راجرز وزیر خارجه امریکا تنظیم شده بود، دنباله در صفحه ۸

روز ششم نوامبر آتش بس نود روزه در جبهه‌های جنگ خاورمیانه پایان یافت و برای نود روز دیگر تمدید گردید. منظور از آتش بس که مورد قبول جمهوری متحد عرب و کشور اردن و اسرائیل قرار گرفت و سوریه نیز آنرا عملاً اجرا نمود، این بود که در این دوران مذاکرات با دکتور یاریک از طرف

هم میهنان! برای نجات جان انجلا دیویس بانوی دانشمند و مبارز دلیر سپاه پوست امریکائی مبارزه کنید!

دنباله از صفحه ۱

تحولی تازه در مناسبات . . .

گاز سراسری ایران و دو برابر کردن میزان صادرات گاز به شوروی، ایجاد واحد های تولید نیروی حرارتی و واحدهای کودشیمیایی بر پایه گاز سرخس (در شمال شرقی مشهد)، افزایش ظرفیت کارخانه ذوب آهن اصفهان تا ۴ میلیون تن در سال، ایجاد تأسیسات آبی جدید بر روی ارس و احداث واحدهای کشت و صنعت، پیا داشتن مؤسسات پتروشیمی برای تأمین حوائج ایران و نیاز های دراز مدت اتحاد شوروی، همکاری در اکتشاف نفت در مناطق جنوبی دریای خزر و نواحی شمال و فلات مرکزی و همچنین اکتشاف مواد معدنی دیگر در نواحی مختلف کشور، واگذاری ۴۰ میلیون روبل اعتبار برای توسعه صنایع ایران، تأمین اعتبار و کمکهای لازم برای تأسیس ۸ مرکز تعلیمات حرفه ای. در موارد معین حوائج ۱۵ ساله اتحاد شوروی بمتحصولات صنعتی و فرا آورده های کشاورزی ایران از قبل تعیین خواهد شد و ایران تولید این کالاها را طی ۱۵ سال آینده با در نظر گرفتن این حوائج برنامه ریزی خواهد نمود. بطوریکه ملاحظه میشود، موافقت نامه های جدید ادامه ساده و یا بسط عادی مناسبات اقتصادی و بازرگانی ایران و شوروی نبوده، بلکه متضمن عناصر کیفی نوین در آن است. این مناسبات بر پایه چنان همکاریهای وسیع و دراز مدتی استوار خواهد شد که ناگزیر باید بمثابة يك عامل پایدار و رقم قابل ملاحظه (بخصوص برای اقتصاد ایران) در تنظیم برنامه های اقتصادی آتی هر دو کشور منعکس گردد. اکنون میتوان از پدید آمدن يك گرایش دراز مدت در مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی صحبت داشت.

مناسبات مبتنی بر اصول کیفی نوین

توسعه روابط بازرگانی کشورهای سوسیالیستی و بویژه بسط دامنه مناسبات اقتصادی و فنی این کشورها و در درجه اول اتحاد شوروی با ایران تحولی کیفی در چگونگی روابط بازرگانی و اقتصادی ایران با کشورهای خارجی و مرحله نوینی در رشد اقتصادی کشور پدید آورده است. مناسبات اقتصادی بازرگانی کشورهای سوسیالیستی برخلاف مناسبات کشورهای امپریالیستی بر پایه برابری حقوق، احترام بحق حاکمیت و عدم مداخله در امور داخلی ایران استوار است، یعنی از لحاظ سیاسی استقلال ایران را کاملاً ملحوظ میدارد. همین امر به تنهایی تمایز کیفی مناسبات کشورهای سوسیالیستی را با نوع مناسبات کشورهای امپریالیستی با وضوح تمام نشان میدهد.

از لحاظ صرفاً اقتصادی نیز مناسبات کشورهای سوسیالیستی که بر منافع متقابل مبتنی است، با مناسبات اقتصادی و بازرگانی کشورهای امپریالیستی که مطلقاً در فکر منافع یکجانبه خود بزبان کشورهای کمزور هستند، از ریشه و اساس تفاوت دارد.

همکاریهای کشورهای سوسیالیستی در جهت ایجاد رشته های تولیدی و بخصوص رشته های کلبیدی صنایع در ایران است. بنیاد گذاری صنایع بزرگ تولید کننده وسائل تولید که استروکتور صنایع و مجموعه اقتصاد ایران را در گونگی میسازد، فقط به پایداری کشورهای سوسیالیستی انجام گرفت، اعتبارات ناشی از این مناسبات با شرایط بسیار سهل و از جمله با بهره نازل (۲-۳ درصد) واگذار میشود، باز پرداخت اصل و بهره و امپا به ارز داخلی و از طریق فروش کالاهای سنتی و صنعتی ایران انجام میگردد و ضمناً وزن کالاهای صنعتی در صادرات ایران بکشورهای سوسیالیستی بیش از پیش افزایش مییابد. ترانزنامه بازرگانی کشورهای سوسیالیستی با ایران بطور کلی متعادل و در مواردی حتی بسود ایران است، کشورهای سوسیالیستی بازاری وسیع و پایدار و آزاد از رقابت و نوسان برای کالا های صنایع نوپای ایران هستند. کشورهای سوسیالیستی با تکنیک مترقی و متخصصین کار آزموده خود در زمینه استفاده از منابع طبیعی و تربیت نیروهای انسانی امکانات بی نظیر برای میهن ما فراهم میآورند. مقایسه چگونگی مناسبات اقتصادی و بازرگانی کشورهای امپریالیستی با مناسبات اقتصادی و بازرگانی کشورهای سوسیالیستی با ایران تفاوت کیفی این دو نوع مناسبات را بهر فرد منصف و بی غرض ثبوت میرساند. نتیجه مستقیم بسط مناسبات اقتصادی و بازرگانی ایران با کشورهای سوسیالیستی آن است که از دامنه تسلط انحصار های کشورهای امپریالیستی بر اقتصاد ایران میکاهد و در عین حال برای تجدید نظر جدی در چگونگی مناسبات ایران با کشورهای امپریالیستی امکان واقعی پدید میآورد.

همکاری با انحصار ها زیر

نقاب مبارزه با امپریالیسم

امضاء موافقتنامه های جدید اقتصادی و بازرگانی و فنی، علاوه بر مخالفت های آشکار و پنهان و در عین حال کاملاً طبیعی محافل انحصاری، واکنش جنجالی و هیستریک خادمان نقابدار امپریالیسم را نیز بدنبال داشت. گفته میشود بسط مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی به نفع ایران نیست و اتحاد شوروی برای سودجویی از سیاست نو استعماری در ایران پیروی میکند. مخالفت با بسط مناسبات اقتصادی و بازرگانی ایران با اتحاد شوروی و متهم کردن شوروی به اعمال سیاست نو استعماری در ایران از هر انگیزه ای که سرچشمه گیرد چه از ناسیونالیسم کاذب روشنفکران انقلابی نما و چه از عداوت کین توزانه نسبت به شوروی نه فقط بمعنای بریدن از واقعات زندگی و تحریف ماهیت اتحاد شوروی است بلکه بیش از همه بمعنای همکاری ضمنی با امپریالیسم و دشمنان مردم ایران است. این ناسیونالیسم کاذب نه با منافع بورژوازی و نه با مصالح خرد بورژوازی ایران تطبیق میکند. زیرا تمام قشر های خرد بورژوازی

و بورژوازی ملی ایران در بسط این روابط ذینفعند و خود یکی از عوامل مؤثر در گرایش نوین در مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی هستند. این ناسیونالیسم کاذب و هیستری ضد شوروی را با منافع قشر های زحمتکش مردم ایران نیز بیونمی نیست، زیرا آن دهقان رانده شده از روستا که کار و نان بدست میآورد و در مقابل کوره ذوب آهن آبدیدگی طبقاتی کسب میکند، بیش از هر روشنفکر پر مدعای کابینه نشین نتایج واقعی این مناسبات را در زندگی روز مره به تجربه خوش درک میکند. در جهان امروز که اقتصاد و تکنیک با سرعت و وسعتی بی سابقه در تاریخ رشد و تکامل مییابد، تقریباً هیچ کشوری نیست که بتواند بدون ارتباط با کشورهای دیگر اقتصاد خود را همه جانبه رشد دهد و از منابع طبیعی و نیروهای انسانی خود بخواه احسن و ثمر بخش بهره برداری کند.

ایران ناگزیر باید چنین روابطی با کشورهای دیگر برقرار کند. نظر حزب توده ایران درباره کیفیت این روابط روشن است. ما بارها نظر مشخص خود را اعلام داشته و گفته ایم که بسط مناسبات اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی با منافع حیاتی ایران هماهنگی دارد و اگر هر کشور دیگری نیز روابطی از نوع روابط کشورهای سوسیالیستی با ایران برقرار کند، از آن پشتیبانی خواهیم کرد.

کم و کیف روابط کشورهای سوسیالیستی بر همگان آشکار است. آنانکه کشورهای سوسیالیستی را به پیروی از شیوه های استعمار نوین متهم میکنند، اگر کارشان اتهام زنی و لجن پراکنی و کین توزی نیست، با صراحت اعلام دارند که کشورهای سوسیالیستی چگونگی روابطی باید با ایران برقرار کنند، تا بزعم آنان دیگر «سوسیال امپریالیست» نباشند. اگر در اندیشه شادای سیاسی نیستند باین سؤال پاسخ گویند و بطور مشخص نشان دهند کدام يك از قرار دادها و کجای مناسبات کشورهای سوسیالیستی با ایران بر اصول استعماری مبتنی است. اگر مخالفین مناسبات ایران و شوروی از باتلاق آنتی سوسیالیسم خارج شوند و واقعات را آنگونه که هست در نظر بگیرند، دیگر شوروی را به همیالگی با انحصارها متهم نخواهند ساخت. مگر تولید فولاد و تراکتور و ماشین در ایران و برای ایران بازرگانی فولاد و تراکتور و ماشین آلات انحصارها را در ایران از دستشان خارج نخواهد کرد، مگر خاموش شدن شعله های گازی که بیش از نیم قرن با نور خورشید رقابت میکرد و میلیارد ها ثروت ملی ما را دود میکرد و بهوا میداد، خاموش شدن یکی از پلید ترین و رذیلاته ترین مظاهر نفوذ انحصارها در ایران نیست؟

شما میخواهید سدارس درهم شکنند، کوره های ذوب آهن درهم ریزد تا مردم فقیر ایران فقیر تر گردند، تا امپریالیسم در زیر شعله های گاز بر پیکر استخوانی مردم ایران پایکوبی کند.

دنباله از صفحه ۱

راه واقعی مبارزه با کنسرسیوم مان در راه تأمین پیشرفت مملکت استفاده کامل بکنیم و مطابق قطعنامه ای که در سال ۱۹۵۲ در هفتمین دوره سازمان ملل متحد بتصویب رسید و در آن صراحتاً اشاره شده است که هر يك از دولتهای عضو این سازمان حق دارند آزادانه منابع طبیعی خود را بهر نوع که صلاح خویش بدانند در راه تأمین ترقی و توسعه اقتصادی خود بر اساس حق حاکمیت ملی خویش مورد استفاده قرار دهند و بر اساس قطعنامه های مشابهی که در سالهای ۱۹۶۲ در دوره هفدهم اجلاس سازمان ملل متحد و در سال ۱۹۶۶ در دوره بیست و یکم اجلاس این سازمان بتصویب رسیده ما هر اقدامی را که برای تأمین منافع ایران در این زمینه لازم باشد عملاً انجام خواهیم داد. البته تمایل ما اینست که در درجه اول ابتکار بصورت موافقت و تفاهم با شرکت های نفتی کنسرسیوم انجام گیرد ولی اگر این نظر عملی نشود ما بوسیله وضع قانون لازم در تأمین منافع خود اقدام خواهیم کرد.

سازش

روزنامه اطلاعات (مورخ ۵ مهرماه) در تفسیر همین سخنان شاه می نویسد: «... دنباله در صفحه ۸»

شما با مخالفت خود با بسط مناسبات ایران و شوروی عملاً همکاری خود را با انحصارهای خون آشام غرب به ثبوت میرسانید. امپریالیسم میدانند که توده های مردم او را شناخته اند و به همین جهت برای سبک تر کردن بار گناهان خود میخواهد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را نیز شریک جرم خود قلمداد کند. شما چنان غرق خوشرقمی در بازگشای با بان خود و انقلابی نائی کاذب هستید که نه تنها اهمیت بسط مناسبات با کشورهای سوسیالیستی را در جهت تحکیم استقلال اقتصادی و سیاسی کشور درک نمیکند بلکه عوامل مهم بین المللی و داخلی که اقتصاد ایران را خواه ناخواه باین جهت میراند نمی بینید. حجاب آنتی سوسیالیسم چنان دیدگان شما را پوشانده که نه تغییر تناسب نیروها بسوسوسیالیسم را می بینید و نه متوجه این نکته هستید که ناتوانی بازار داخلی در جذب محصولات صنایع نو بنیاد از یکسو و غارتگری سرمایه های امپریالیستی از سوی دیگر طبقات حاکمه و دولت را ناگزیر بسوی بسط مناسبات با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برای استفاده از شرایط مساعد سرمایه گذاری و بازار میکشاند.

وظیفه مهین پرستان واقع بین و دشمنان واقعی امپریالیسم آن نیست که ایران را از بسط روابط با کشورهای سوسیالیستی باز دارند، بلکه باید بکوشند تا دولت را بیش از پیش در این راه سوق دهند و با استفاده از شرایط مادی مساعدی که کمکهای دوستانه کشورهای سوسیالیستی برای ایران فراهم میآورد در راه برانداختن نهائی سلطه انحصارهای امپریالیستی و تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی کشور قدم بردارند. مسعود

دومین کنگره حزب کمونیست عراق

در سی‌تامبر ۱۹۷۰ دومین کنگره حزب کمونیست عراق تشکیل شد. این کنگره بدنبال یک سلسله اقدامات وسیع مقدماتی در زمینه های سیاسی و فکری و تشکیلاتی انعقاد یافت. کمیته مرکزی حزب، بیش از سه سال قبل، پیش نویس برنامه حزب را تهیه کرد، و آنرا برای بحث و بررسی در اختیار سازمان ها و کادرهای حزب قرار داد. کمیته مرکزی همچنین تعدیلات مهمی در نظامنامه داخلی حزب - که در سومین کنفرانس حزب به تصویب رسیده بود - بوجود آورد.

کمیته مرکزی اضافه بر این، گزارشی از فعالیتهای خود به کنگره تقدیم داشت. در این گزارش راجع به وضع کنونی بین المللی، وضع جنبش کمونیستی و جنبش آزادیبخش عرب سخن گفته میشود. گزارش شامل فصلی راجع به مسئله فلسطین و طرح های مربوط به راه حل مسالمت آمیز نیز میباشد. همچنین اوضاع داخلی کشور و موضع حزب نسبت به رژیم عراق و سایر مسائل، مورد بحث قرار گرفته است.

قبل از تشکیل کنگره یک سلسله کنفرانس های محلی (ایالتی) و نیز کنگره تشکیلات کردستان حزب کمونیست عراق تشکیل شده بود که کلیه سازمانهای حزب در آن شرکت جستند و طی آنها گزارشاتی در باره پیش نویس برنامه و سیاست کلی حزب و موفقیت های سازمانها و نیز وظایف فوری حزب مورد بحث قرار گرفته بود. طی این کنفرانس ها همچنین ۱۰۲ نماینده برای شرکت در دومین کنگره حزب انتخاب شدند. شایان ذکر است که دو تن از این نمایندگان قبل از تشکیل کنگره بشهادت رسیدند. این دو عبارتند از رفیق ستار خضیر (مقدم) و رفیق محمد احمد الخضری (عادل)، یازدهمین نماینده دیگر نیز بنام رفیق عبدالامیر سعید زبده شده و سرنوشت او معلوم نیست. عده ای دیگر از نمایندگان نیز بعلل مختلف نتوانستند در کنگره شرکت جویند. عده ای از رفقای حزبی بعنوان ناظر در جلسات شرکت کردند. نمایندگان از کارگران و روشنفکران انقلابی عرب و کرد و سایر اقلیت های ملی بودند.

کنگره نامه های تهنیتی از احزاب کمونیستی و کارگری اتحاد شوروی، آلمان دموکراتیک، بلغارستان، لهستان، مجارستان، رومانی و احزاب کمونیست های عربی و عده زیادی از احزاب کمونیست کشورهای اروپائی و آسیائی و آمریکای لاتین و آفریقا دریافت داشت که از آنجمله اند: حزب کمونیست فرانسه، ایتالیا، انگلستان، حزب کمونیست افریقای جنوبی، حزب کمونیست هندوستان، حزب توده ایران، حزب کمونیست آرژانتین، ونزوئلا، شیلی، برزیل و عده دیگری از احزاب.

سالن کنگره با شعارهای زیرین زینت داده شده بود:

زنده باد اتحاد احزاب و نیروهای ملی

در مبارزه برای تحقق دموکراسی در عراق و خود مختاری کردستان!

ما از مبارزه خلق فلسطین برای تعیین سرنوشت خویش در خاک وطن خود پشتیبانی میکنیم.

جاوید باد خاطره شهدای مافهد و سلام عادل و حیدری و سایر رفقا!

برنامه کار کنگره شامل مواد زیرین بود:

- ۱ - بحث و تصویب طرح برنامه
- ۲ - اصلاح نظامنامه داخلی
- ۳ - بحث و تصویب گزارش کمیته مرکزی
- ۴ - انتخاب کمیته مرکزی جدید.

در ابتدای کار کنگره رفیق عزیز محمد در میان کف زندهای متد حاضران با سخن رانی خود کنگره را افتتاح کرد. وی طی این سخنرانی به شهدای جنبش جهانی کمونیسم و حزب کمونیست عراق و شهدای جنبش ملی درود فرستاد و از کنگره خواست که با احترام این شهدا قیام کنند. وی همچنین تشکیل کنفرانس احزاب کمونیستی جهان و نیز صدمین سالروز تولد لنین را تبریک گفت، از اهمیت عظیم دومین کنگره حزب، در تقویت صفوف حزب و انجام وظیفه مهمی که در موفقیت باریک کنونی برعهده آنست سخن گفت و سپس نامه های تبریک احزاب کمونیست برادر را قرائت کرد.

در دومین جلسه، دبیر حزب گزارش کمیته مرکزی را قرائت نمود. در گزارش راجع به اوضاع بین المللی تحولات آن و مشخصات اساسی آن وضع جنبش جهانی کمونیستی و رشد این جنبش، که نیرومند ترین جنبش سیاسی عصر ماست... سخن گفته میشود، همچنین با اشاره به کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری که در ژوئن ۱۹۶۹ انعقاد یافت و حزب کمونیست عراق نیز در آن شرکت جست، گفته میشود که حزب کمونیست عراق سند کنفرانس را تأیید میکند و برای اجرای وظایفی که در آن گوشزد شده است مجدداً میکوشد. در گزارش عملیات انشعابگراانه گروه مائوتسه دون محکوم میشود و نقش پیشاهنگ حزب کمونیست اتحاد شوروی تأکید میگردد.

در گزارش مسئله فلسطین نیز مورد بحث قرار گرفته و طی آن حق خلق فلسطین در مبارزه بکلیه صور آن علیه اشغالگران اسرائیلی و بخاطر بازگشت بوطن و تعیین سرنوشت خود در خاک خویش تأکید میگردد. در گزارش گفته میشود که کمک مادی و معنوی بمقاومت مسلحانه خلق فلسطین بعنوان یک جنبش ملی در راه هدف های عادلانه ضروری است. در گزارش از طرح راجرز نیز سخن بیان میآید. در این مورد عوامل مختلفی که ایالات متحده را به پیشهاد این طرح وادار کرده است شرح داده میشود. این عوامل عبارتند از: رشد قدرت دفاعی کشورهای عربی روبرو با اسرائیل، رشد

جنبش مقاومت و شکل توده ای بخود گرفتن آن، عمیق شدن شکل اجتماعی جنبش رهایی بخش عرب، بطوریکه مصالح استعمار و بویژه مصالح نفتی آنرا مورد تهدید قرار داده است، توسعه روز افزون روابط همکاری میان جنبش رهایی بخش عرب و اتحاد شوروی وارد نگاه سوسیالیسم. در گزارش کوششهایی که توسط آن عده از کشورهای عربی که طرح راجرز را پذیرفته اند، مبدول شده مورد تأیید قرار میگردد. در عین حال باین کشور ها زنهار داده میشود که مراقب دسائس استعمارگران امریکائی باشند. در گزارش خواسته میشود که اختلافات میان دول آزادی خواه عرب رفع گردد، همبستگی ملی میان این کشور ها و نیروهای ملی و انقلابی عرب تقویت شود.

در گزارش سپس از وضع داخلی کشور سخن بیان میآید و سیاست حزب و وضع سیاسی کشور از زمان سومین کنفرانس حزب (دسامبر ۱۹۶۷) مورد بحث قرار میگردد. در گزارش شرح داده میشود که کنفرانس سوم چگونه طرح مفصلی برای اتخاذ یک سیاست ملی انقلابی تدوین کرد و چگونه این سیاست به تقویت حزب و پیروزی بر مشکلاتی که انشعابیون بوجود آورده بودند، به تحکیم وحدت حزب و تحول بخشیدن به جنبش انقلابی در کشور، به بالا بردن حیثیت حزب، به تقویت نقش آن در داخل و نیز در صف جنبش جهانی کمونیسم کمک کرد. در گزارش همچنین از عواملی که موجب سقوط رژیم نظامی عارف شده است سخن گفته میشود و شرح داده میشود که چگونه فقدان شرایط ذهنی کافی در جنبش انقلابی و فقدان جبهه واحدی از احزاب و نیروهای ملی و مشکلاتی که در برابر ایشان وجود داشته مانع از آن شده است که از راه واژگون ساختن رژیم دیکتاتوری نظامی عارف بحران برطرف شود و یک حکومت ملی انقلابی بوجود آید و عراق را در راه دموکراسی، پیشرفت و تحول ملی و مستقل به پیش ببرد. در گزارش راجع به کودتای ۱۷ - ۳۰ ژوئیه ۱۹۶۸ گفته میشود که این کودتا در نتیجه همکاری حزب سوسیالیست بعث با عده ای از افسران عالی رتبه دولت عارف انجام یافته است.

در زمینه موضع حزب کمونیست عراق در قبال حکومت بعث در گزارش گفته میشود که این موضع پوزیسیون مطالبه حل مشکلات مبرم کشور ماست، یعنی مطالبه دموکراسی حل مسئله کردستان بطور دموکراتیک برسمیت شناختن حق خود مختاری مردم کرد، حفظ مصالح اقتصادی مردم، بازپس گرفتن حقوق غصب شده مردم عرب از شرکتهای نفتی بیگانه، تشدید مبارزه علیه امریالیسم و صهیونیسم و بالاخره همکاری نزدیک با کشورهای سوسیالیستی.

در گزارش گفته میشود که حزب کمونیست نیست تشکیل جبهه واحد ملی از احزاب ملی را هدف خود قرار داده است و میباید که از این جبهه یک دولت ائتلافی بوجود آید. در گزارش همچنین به اصلی که حزب کمونیست

ضرورت مراعات آنرا از زمان تشکیل پلنوم وسیع کمیته مرکزی در اکتبر ۱۹۶۸ گوشزد کرده است، یعنی اصل استقلال طبقاتی حزب چه از نظر سیاسی و چه از نظر ایدئولوژیک و آزادی آن در کار علنی و صدور روزنامه - در حالت ائتلاف آن با حزب یا احزاب دیگر - اشاره میشود.

در گزارش سپس راجع به خط مشی رژیم بعث طی دو سال سخن گفته میشود، در زمینه مشی رژیم در سیاست خارجی گفته میشود که رژیم «بطور کلی، یک سیاست ضد امپریالیستی در پیش گرفته است»، در زمینه تقویت و تحول بخشیدن به استقلال اقتصادی گفته میشود که دولت «باقدماتی دست زده است که نتیجه آنها بیش برد اقتصاد ملی و بهره برداری مستقیم از ثروتهای طبیعی با کمکهای همه جانبه و بی شائبه کشورهای سوسیالیستی دوست میباشد». در گزارش همچنین از بعضی قوانین مترقی در زمینه اصلاحات کشاورزی، تأمینات اجتماعی، بازنشستگی کارگران و قانون جدید کار بعنوان مظاهر مثبت اقدامات حکومت نام برده شده است. در گزارش عقد قرار داد ۱۱ مارس ۱۹۷۰ میان دولت و رهبران جنبش ملی کرد با ارزش تلقی گردیده و در عین حال اشاره شده است که اجرای روح قرار داد، بدون تأمین آزادیهای دموکراتیک و ایجاد نظام دموکراسی در عراق امکان ندارد.

در گزارش کمیته مرکزی گفته میشود که سیاست حزب کمونیست عراق در برابر دولت موجود «بر پایه مخالفت و انتقاد از هر چه منفی و غلط است، انتقاد از روش ضد دموکراتیک و اعمال فشار نسبت به احزاب ملی مخالف، انتقاد از نقض حقوق بشر، انتقاد از مظاهر شوونیستی و تعصب ملی و مذهبی قرار خواهد داشت. ولی در عین حال هر گونه اقدام مترقی و هر موضعگیری محکمی علیه استعمار و صهیونیسم و فئودالیسم و ارتجاع را مورد پشتیبانی قرار خواهیم داد و تقویت خواهیم کرد».

در زمینه وظایف مبرمی که در برابر مبارزه حزب کمونیست و جنبش ملی قرار دارد گزارش این وظایف را معین ساخته است:

اولاً - مبارزه بخاطر تأمین آزادیهای دموکراتیک و دولت ائتلافی. این مبارزه در سر لوحه وظایفی قرار دارد که بخاطر کسب آزادی و استقرار نظام دموکراتیک در برابر ملت قرار گرفته است. حزب کمونیست در این گزارش توده ها و احزاب ملی را دعوت کرده است به: مبارزه بخاطر متوقف ساختن کلیه اشکال زور، مبارزه بخاطر آزادی فعالیت علنی احزاب ملی و انتشار روزنامه های مخصوص این احزاب، تحقق عفو عمومی، احترام به حقوق دموکراتیک مردم و پایان دادن به شرایط استثنائی و لغو و انحلال قوانین و مؤسسات محدود کننده آزادیهای مردم و تعیین مدت مناسبی برای انجام انتخابات عمومی مجلس ملی مؤسسان، تأمین شرایط لازم برای تشکیل یک حکومت دنیاله در صفحه ۴

دنباله از صفحه ۳

دومین کنگره حزب کمونیست عراق

ائتلافی از کلبه احزاب و گروههای ملی، تا آنکه این حکومت کار تحقق بخشیدن به سایر وظایف مبرم ملی و دموکراتیک را بر عهده گیرد.

ثابتاً - در مورد جبهه ملی، در گزارش از نظریات حزب کمونیست عراق درباره تشکیل جبهه ملی و مبارزاتی که حزب خصوصاً طی دو سال گذشته در این راه کرده است سخن گفته میشود:

در گزارش دعوت حزب کمونیست به «انعقاد یک کنفرانس عمومی ملی، از کلبه احزاب و گروههای ملی بدون استثناء برای بحث درباره چگونگی تشکیل جبهه واحد ملی» تکرار میشود. در گزارش همچنین گفته میشود که حزب کمونیست در عین آنکه همه کوششهای خود را برای ایجاد جبهه ملی بکار خواهد برد، هیچ گونه امکانی را برای ایجاد توافقهای دو جانبه و یا هر شکل دیگر همکاری با احزاب و نیروهای ملی دیگر از دست نخواهد داد.

ثالثاً - در زمینه حل مسأله آمیز مسئله کرد. در گزارش از قرارداد ۱۱ مارس ۱۹۷۰ و نقش حزب کمونیست عراق در تأمین این پیروزی بزرگ برای مردم عراق اعم از عرب و کرد و سایر اقلیت های ملی، به تفصیل سخن گفته میشود. در گزارش تأکید میگردد که اجرای قرارداد مارس که خود قدم بزرگی در راه حل مسأله کرد بوده است بدون بسط دموکراسی در کشور امکان ندارد. در گزارش تصریح میشود که وظیفه حزب کمونیست عراق در شرایط کنونی «مبارزه بخاطر اجرای قرارداد ۱۱ مارس و جلوگیری از در گرفتن مجدد جنگ و نیز کوشش بخاطر عمیق تر کردن مضمون قرارداد است.»

رابعاً - مبارزه بخاطر تأمین خواسته های مبرم توده ها و در اینجا گزارش به بحث درباره تدابیری میگردد که دولت اتخاذ کرده و قوانینی که وضع نموده و نتیجه آنها بدتر شدن وضع زندگی مردم بوده است. در گزارش خواسته میشود که بار مالیاتها از دوش توده های زحمتکش برداشته شود و اقدامات جدی به منظور بالا بردن دستمزد کارگران و کارمندان و نیز به منظور رفع بیکاری و پائین آوردن سطح هزینه زندگی بعمل آید.

پس از تعیین وظایف مبرمی که در موقعیت کنونی در برابر مبارزه مردم وجود دارد در گزارش از وظایف حزب در زمینه مبارزه ایدئولوژیک سخن گفته میشود و شرح داده میشود که این وظایف دو جهت دارد اول دفاع از پرنسب های حزب و نظریه آن و استقلال ایدئولوژیک آن بر ضد هر گونه تخطئه و تحریف و دوم دفاع از سیاست و برنامه ای که حزب برای مرحله یا دوران معینی تعیین میکند.

در گزارش تأثیر انتخاب نمایندگان بعضی گروههای خرده بورژوازی به مقامات

آموزش طبقاتی

دولت ایران بر کوشش خود در جهت طبقاتی کردن هر چه بیشتر آموزش افزوده است. مشکلات تحصیلی جوانان سال بسال بیشتر میشود و هر بار موانع تازه ای در راه آموزش آنان ایجاد میگردد. تعداد کودکان و جوانانیکه هر سال از آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی باز میمانند بیشتر میشود.

آمار سرشماری سال ۱۳۴۵ نشان میدهد نسبت با سوادان از ده سال بسال ۲۸٫۴ درصد است. در این ۴ سال نیز تغییر محسوسی در اینجهت حاصل نشده است. در ۱۴ دیماه ۱۳۴۵ اشرف پهلوی در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: «باید اعتراف کرد که تاکنون نتیجه ای از مبارزه با بیسوادی حاصل نشده است. اگر وزارت آموزش و پرورش نتواند تمام اطفالی را که در سن تحصیلی هستند بمدرسه ببرد این مبارزه اصلاً فایده ای نخواهد داشت...» اشرف پهلوی در آن موقع اعتراف کرد «هر سال از جمع کودکانیکه بسن تحصیل میرسند یکمیلیون و هفتصد هزار نفر بمدرسه نمیروند.» او گفت:

«طبق طرحهاییکه در دست داریم اگر بتوانیم تا ۵ سال دیگر تمام اطفال شهری را بمدرسه بفرستیم باز هم با مسئله ۶۰ درصد دیگر که در روستاها زندگی میکنند دست بگریبان خواهیم بود.» ۴ سال پس از این اعتراف شورای مرکزی آموزش کشور در قطعنامه نهم مرداد ۱۳۴۹ اعلام می کند:

«هم اکنون ۳۲۳۷۰۰۰ کودک در کشور به تحصیل اشتغال دارند، اما هنوز هم گروه کثیری از کودکان که آمادگی آموزش را دارا هستند بخصوص در مناطق روستایی به دبستان راه نیافته اند.» در سو - مین کنفرانس ارزیابی انقلاب آموزشی نیز کارشناس وزارت آموزش و پرورش تأکید میکند «با کمال تأسف هنوز ۴۸ درصد از کودکان بمدرسه راه ندارند.» علت چیست؟ جمعیت ایران بارشد ۳ درصد افزایش مییابد. جمعیت ایران سالانه ۹۰۰۰۰۰ نفر زیاد میشود. این تغییر کمی سبب گردیده است که گروه فعال جامعه از ۴۶٫۳ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۴۱٫۲ درصد در سال

صهیونیسم ۶- ارسال درود به خانواده های شهیدان. ۷- ارسال درود به گروههای پیش مرگ بخاطر دفاع ایشان از حقوق ملی مردم کرد. ۸- ارسال درود و تشکر از احزاب کمونیست برادر بخاطر هم بستگی ایشان با ملت عراق. ۹- جمع آوری اسناد و اطلاعات مربوط به تاریخ حزب کمونیست عراق از طرف رفقای قدیمی حزب و سازمانهای آن برای نگارش تاریخ حزب.

سیس کمیته مرکزی جدید و اعضای مشاور انتخاب شدند. این کار با رأی مخفی انجام گردید. کمیته مرکزی با حضور کلبه اعضا تشکیل شد و بوروی سیاسی و دبیر اول کمیته مرکزی را انتخاب نمود. رفیق عزیز محمد بار دیگر به دبیری انتخاب گردید.

حکومتی و مشکلاتی که ممکن است توسط این گروهها در راه اندیشه سوسیالیسم علمی فراهم شود، بیان شده است. در گزارش گفته میشود که این گروهها با استفاده از موقعیت حساس خویش در حکومت، در راه نشر و حاکم ساختن ایدئولوژی خرده بورژوازی (سوسیالیسم ملی) کوشش میکنند این مسأله وظایف فوق العاده ای را در دفاع از نظریات حزب و اصول اساسی مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و تاریخ پر افتخار جنبش کمونیسم جهانی و دست آورد های آن سازمانهای طبقه کارگر حزب کمونیست عراق و احزاب کمونیست کشورهای عربی بر عهده حزب کمونیست قرار میدهد.

مبارزه حزب علیه چپ روی ماجراجویانه و تمایلات رویزیونیستی راست و بخشی از گزارشی که مبارزه حزب طی دوران گذشته علیه «چپ روی ماجراجویانه و تمایلات رویزیونیستی راست» که برای منحرف ساختن حزب از خط مشی صحیح مبتنی بر تحلیل علمی و عینی واقعیت انجام شده اختصاص داده شده است.

در گزارش گفته میشود که حزب همراه با انتقاد از این شیوه های غلط و مبارزه دوراندیشانه علیه آنها، سیاست انقلابی خود را تعیین کرده است. در تعیین این سیاست منافع طبقه کارگر و مصالح تحول جنبش انقلابی مردم در درجه اول اهمیت قرار داده شده است.

پس از پایان قرائت گزارش کمیته مرکزی توسط رفیق عزیز محمد دبیر اول حزب، نمایندگان سازمانهای مختلف گزارشهای مهمی از چگونگی کار سازمانهای خود، موفقیت های آنها و مشکلاتی که در برابر آنها قرار دارد و چگونگی غلبه بر این مشکلات بیان داشتند.

بعد از این جلسه کنگره به دو کمیسیون تقسیم شد، یکی برای بحث در باره پیش نویس برنامه حزب و تهیه طرح نهائی آن و دیگری برای بحث درباره تعدیلات نظامنامه داخلی. این دو کمیسیون دو روز تشکیل بود و اکثریت نمایندگان در آنها همکاری وسیع داشتند. سپس کنگره به بحث درباره گزارش کمیته مرکزی پرداخت که اکثریت قریب با اتفاق نمایندگان در آن شرکت کردند و بحث پر شور در گرفت. تعدیلات بسیاری در گزارش بعمل آمد و سرانجام از جانب کنگره به تصویب رسید.

کنگره همچنین تصمیماتی اتخاذ کرد که از آنجمله: ۱- صدور قطعنامه در پشتیبانی از مبارزه مردم ویتنام و لائوس و کامبوج. ۲- سیاستگزاری از اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بخاطر کمک های این کشورها به کشورهای عربی. ۳- ارسال نامه و درود به جنبش مقاومت مسلمانان فلسطین و اعلام پشتیبانی کمونیست های عراق از این مبارزه ۴- کوشش برای شرکت در کنفرانس جهانی نیروهای ضد امپریالیستی. ۵- ارسال نامه و درود و تشکر از حزب کمونیست شوروی بخاطر همبستگی هایش با حزب کمونیست عراق و مردم عراق و توده های عرب در مبارزه علیه استعمار و ارتجاع و

۱۳۴۵ کاهش یابد. هم اکنون بیشتر از نصف جمعیت کشور ما کمتر از ۲۰ سال دارند. تأمین احتیاجات مادی و معنوی یک چنین جمعیتی مستلزم سرمایه گذاری های هنگفت در زمینه آموزش و پرورش، تغذیه، خانه سازی، بهداشت و برنامه های دیگر آبادانی است. در حالیکه رژیم ایران بجای آنکه در این سمت گام بردارد به جنگال تبلیغاتی در اطراف خود پرداخته است. حتی از روی آمار ناقصی که وزارت آموزش و

پرورش در توجه سیاست دولت انتشار میدهد میتوان دید که در این مدت سازمان آموزشی کشور نتوانسته است هماهنگی با رشد جمعیت گسترش یابد. دولت ایران در سالهای اخیر نه تنها موانع بیشماری را که در راه تحصیل جوانان وجود دارد بر طرف نکرده است بلکه در جهت ایجاد موانع بیشتر کوشیده است.

در شهرها اقدام جدی برای مبارزه با بیسوادی صورت نمیگیرد و کار و آموزش کودکان در ۵۰۰۰۰ روستای کشور به دست ۵۰۰۰ سیاهی دانش سیرده شده است که بقول خود «وظیفه کد خدائی در ده تمام وقت آنها را گرفته است.» بر اساس ادعای دستگاههای تبلیغاتی رژیم سیاهیان دانش از سال ۱۳۴۲ تا کنون تنها توانسته اند به یکمیلیون نفر سواد خواندن و نوشتن بیاموزند که در کیفیت این نوع سواد هزار حرف است.

بروشی دیده میشود با گذشت نزدیک به دهسال از «انقلاب همایونی» هنوز در ترکیب سپاه عظیم بیسوادان با توجه برشد سریع جمعیت و عدم توجه بگسترش سازمان های آموزشی کشور تغییری حاصل نشده است. آمار نشان میدهد از ۶۵ درصد کودکان کشور ما که در روستاها زندگی میکنند فقط نزدیک به ۱۴ درصد آنها در کلاسهای سیاهیان دانش و ۱۸ درصد در مدارس دولتی درس میخوانند. بقیه بیچاره مدارس سرگردانند. در درستی این ارقام نیز باید تردید کرد چرا که سیاهیان خود بارها اعتراف کرده اند «از آنها فقط آمار میخوانند و آنها نیز آمار میدهند».

ماهیت ضد دموکراتیک نظام حاکم بر جامعه بان اجازه نمیدهد موضوع آموزش جوانان کشور را عمیقاً مورد توجه قرار دهد. برای شانه خالی کردن از زیر بار این مسئولیت گردانندگان رژیم راه راندن از تحصیل را در پیش گرفته اند. آنها آموزش

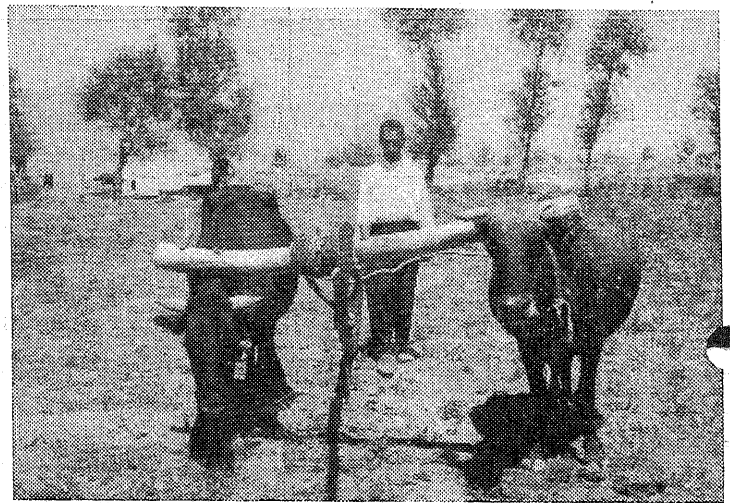
پولی و طبقاتی را جایگزین آموزش رایگان و عمومی نموده اند. در جهت اجرای این سیاست بخش دولتی آموزش سال بسال فعالیت خود را محدود تر میکند و دست بخش خصوصی را برای غارت آخرین هستی خانواده های زحمتکش باز میگذارد.

آموزش و پرورش هر چه بیشتر شکل طبقاتی بخود میگیرد. مدارس خصوصی هر سال بر میزان شهریه های تحصیلی میافزایند دنباله در صفحه ۵

دهقانان و رکود کشاورزی

اصلاحات ارضی رژیم نه تنها مسئله ارضی را، بر خلاف دعاوی خود، بسود دهقانان حل نکرده، بلکه به علت اتخاذ سیاست حمایت از سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی که خط عمده سیاست اقتصادی دولت در کشاورزی است، هم کشاورزی کشور و هم دهقانان را با مشکلات فراوان روبرو ساخته است. فروش زمین به دهقانان به پایان رسید در حالی که فقط ۸۰۰ هزار خانوار از مجموع ۳۲۰۰۰۰۰ خانوار روستایی نائل به خرید زمین شدند و قسمت پهناوری از زمینهای زیر کشت به بهانه های «قانونی» و غیر قانونی از شمول قانون خارج شده و در تصرف مالکان باقی مانده است. دو سال از تصویب قانون واگذاری املاک استیجاری به دهقانان میگذرد ولی هنوز قانون مرحله اجرا در نیامده است. بموجب این قانون میبایست تعداد ۳۰۰ هزار مالکسی که مبله هکتار زمین را به اجاره داده اند، یا زمین های خود را به دهقانان بفروشند و یا بر اساس مالکیت عوامل تولید زمین را بین خود و دهقانان تقسیم کنند. قانون مقرر داشته است چنانچه در عرض یکسال برای فروش و یا تقسیم و افراز بین مالک و دهقانان توافق نشود، وزارت اصلاحات ارضی موظف

املاک مالکان مستنکف به دهقانان فروخته خواهد شد که زمان آنها معلوم نیست. یدبقریق جمعی از مالکان کماکان با استفاده از شکل نیمه فتودالی اجاره ثمره کار دهقانان را بجنب میریزند. ۸۰۰ هزار خانواری که زمین خریدارند نیز بار سنگین قسط زمین، بهره وام، آب بها پرداخت حق عضویت در شرکتهای تعاونی و حق عضویت در سازمان کشاورزان وابسته به حزب دولتی ایران نوین را بردوش دارند. شرکتهای تعاونی آتقدر ضعیف، فقیر لخت و بی تحرک اند که قادر به حمایت تولیدی توزیعی و مالی از دهقانان نیستند. فعالیت آنها هنوز از وامهای کوچک کوتاه مدت و احياناً توزیع چند کیلو بنر و کود شیمیایی تجاوز نمی کند. این شرکتهای نه تنها قادر به سازماندهی تولید کشاورزی منطقه فعالیت خود نیستند، بلکه از کار بازاریابی نیز عاجزند. روزنامه کیهان چند ماه پیش نوشت در منطقه رضائیه بهای سبب زمینی به کیلویی ۵۰ دینار رسیده زیرا بعلت نبودن خریدار و صادر کننده، صدها تن سبب زمینی روی دست دهقانان مانده است. و اگر این وضع تا اسفند ماه ادامه یابد کلیه سبب زمینی های منطقه فاسد خواهد شد. تهران اکنون میست



مینویسد امسال ۲۰۰ هزار تن چغندر گندیده و فاسد شده است.

شرکتهای سهامی زراعی که از شرکت مالکان و دهقانان بوجود آمده اند بسرعت مشغول بلع دهقانان کم زمین و تبدیل آنان به مزدوران کشاورزی اند. مالکان عضو این شرکتهای با استفاده از کمکهای سازمانهای اعتباری و زحمات توانفرسای دهقانان عضو به غارت روستا مشغولند.

سیاست اعتباری دولت نیز به زیان دهقانان و بسود سرمایه گذاران خصوصی تنظیم شده است. دولت که فقط در سال ۱۳۴۸ مبلغ ۳۶۲ میلیون ریال وام دراز مدت و با شرایط سهل از طریق صندوق توسعه کشاورزی، برای اجرای طرحهای بزرگ به بخش خصوصی واگذار نموده،

سرنوشت دهقانان را با بدست شرکتهای تعاونی سپرده که فاقد سرمایه لازم اند و یا به بانک کشاورزی که فقط در ازا تضمین کافی حاضر به دادن وام های کوتاه مدت به دهقانان است. آقای صدیقانی مدیر عامل بانک کشاورزی در برابر گنبدمکاران و باغداران زابل که از کمی وام شکایت داشتند اعتراف نمود که پول و اعتبار در زابل وجود دارد، اما وام گیرنده ای که تضمین داشته باشد وجود ندارد. (اطلاعات ۲۵ دیماه ۱۳۴۸). این امر از یکسوم نودار فقر دهقانان و از سوی دیگر نشانه بی توجهی و بی اعتنائی دولت به سرنوشت دهقانان زحمتکش است. مدیر عامل بانک کشاورزی خود اعلام میکند که ۴۵ درصد دهقانان با وجود نیازمندی موفق بخریافت وام میشوند. بررسیهای مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی نشان میدهد که ربا خواران محلی در بیرجند ۶۱٫۵ درصد در صد در مشهد ۷۷ درصد در بدر عباس ۶۲٫۲ درصد وام مورد نیاز دهقانان را پرداخته اند، در حالی که سهم شرکتهای تعاونی در پرداخت وام در بیرجند ۶٫۲ درصد در مشهد ۶ درصد در بدر عباس ۷٫۸ درصد بوده است. بی بضاعتی شرکتهای تعاونی نشان میدهد که آنها تا چه حد به پشتیبانی دولت نیازمندند، در حالی که بخش عمده ای از اعتبارات کشاورزی در اختیار سرمایه گذاران داخلی و خارجی قرار دارد.

هزاران هکتار از مرغوبترین زمینها در اختیار سرمایه گذاران انحصارگر کشور های امپریالیستی گذارده شده است. طبق تصمیم دولت فقط در خوزستان بر روی ۸۰ هزار هکتار زمین واحد های کشت و صنعت با شرکت سرمایه های انحصاری خارجی تشکیل میشود. هم اکنون قسمتی از این اراضی به بانک امریکا، کمیونیتی «جان ویر» «داو کمبال»، شرکت «ترانس ولت»، بانک «فرست ناشنل سیتی نیویورک» و اخیراً نیز به کمیونیتی «شل» واگذار شده است.

شرکای ایرانی این غارتگران خارجی یعنی وزارت آب و برق، بانک ایرانیان، هاشم نراقی ایرانی امریکا نشین و غیره، نقش «مشکل گشا» را برای تأمین سود های کلان ایفا میکنند. از هم اکنون برای تولیدات کشاورزی این واحد ها، بازار خارجی در نظر گرفته شده و قرارداد های لازم با شرکتهای هوایی برای رساندن فوری محصولات به بازار های خارج بسته شده است. دهقانان زحمتکش در این واحدها بعنوان کارگر کشاورزی کار میکنند و مستقیماً مورد استثمار سرمایه های انحصاری خارجی اند. اگر دولت میخواست، خود قادر بود بدون دخالت سرمایه های انحصاری در اراضی خالصه و اراضی مجاور سدها واحد های بزرگ کشاورزی بوجود آورد، هم به اعتلاء تولید کشاورزی کمک کند و هم دهقانان را ببدام استثمار غارتگران امپریالیست نیندازد.

رشد کشاورزی در سال ۱۳۴۸ طبق گزارش بانک مرکزی ایران، نازلترین رشد بخشهای اقتصادی یعنی فقط ۷٫۱ درصد بوده که از رشد متوسط پیش بینی شده

دنباله از صفحه ۴

آموزش طبقاتی

و بر سر راه کودکان و جوانان موانع قانونی ایجاد میکنند. دشواریهای تحصیلی آنچنان افزایش یافته است که حتی روزنامه های طرف دار رژیم را به اعتراض واداشته است. روز نامه کیهان در شماره ۲۳ تیر ماه مینویسد: «شهریه و نام نویسی هر سال بصورت یک مسئله مهم اجتماعی و قابل بحث جلوه میکنند. در مدارس خصوصی بر میزان شهریه ها باز هم افزوده اند و مدارس دولتی موضوع معدل را بهانه قرار داده اند و از کسانی که معدل آنها کمتر از ۱۴ است ثبت نام نمیکنند و آنها را به مدارس خصوصی حواله میدهند. شهریه به مدارس خصوصی نیز برای همه کس قابل پرداخت نیست. روزنامه کیهان در همین شماره اطلاع داده است که «مدارس در سال جاری تحصیلی میزان شهریه هر کلاس را ۱۵۰۰ ریال دیگر بالا برده اند.»

مجله فردوسی در شماره ۲۲ تیر ماه ۱۳۴۹ خود موضوع آموزش طبقاتی را عریان تر بیان کشیده است. این مجله مینویسد: «اکثریت مردم ایران را طبقات زحمتکش تشکیل میدهند و قشر وسیعی از کارمندان دولت نیز که مجموع حقوق ماهیانه آنها از هزار تومان تجاوز نمیکند قادر به پرداخت شهریه های گزاف تحصیلی نیستند. نتیجه اینکه تنها فرزندان خانواده های که در قشر فوقانی طبقه متوسط و نیز طبقه بالا قرار دارند میتوانند مشتریان مدارس ملی باشند. نخستین هدف مدارس ملی کسب سود و منفعت است. مدارس کشور در عمل بصورت مدارس طبقاتی در آمده اند و الگوی جامعه طبقاتی در نظام آموزشی کشور منعکس شده است.»

در تعقیب این سیاست است که شورای مرکزی آموزش کشور در اجلاس تابستانی خود توصیه میکند برای حل معضل آموزش «سیاست کلی دولت باید دایره بر تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری در آموزش قبل از دبستان، ابتدایی و متوسطه باشد...»

سیاست طبقاتی کردن هر چه بیشتر آموزش در زیر سرپوش سپردن کار مردم

بمردم اجرا میشود. در حال حاضر این سیاست سبب گردیده است هر سال نیم کمتری از کودکانی که با بسن تحصیل میکنند وارد مدارس کشور شوند و هر بار عده کمتری از آنها میتوانند آموزش خود را در کلاس های بالاتر از ابتدائی ادامه دهند. در سال ۱۳۴۶ نسبت دانش آموزانیکه توانسته اند وارد دبیرستان شوند ۳۰۰ در هزار بوده است. در سال ۱۳۴۸ این رقم به کمتر از ۲۰۰ نفر کاهش یافته است. مردم از سیاست آموزش رژیم ناراضی اند و هیچ مقامی خود را جوابگو نمیداند.

۱. فروزان

در برنامه چهارم (۴۴ درصد) کم تر است. این رشد نازل که حتی قادر نیست نیازمندیهای ناشی از افزایش جمعیت را که دنباله در صفحه ۶

دهقانان و رکود کشاورزی

سالانه نزدیک به ۳ در صد است بر طرف سازد موجب شده است که حتی مطبوعات مجاز کشور نیز سیاست کشاورزی دولت را مورد انتقاد قرار دهند. برخی از آنها رکود کشاورزی را ناشی از کاهش نسبی اعتبارات کشاورزی، عده ای دیگر در نتیجه «عدم حمایت از طبقه مولد» میدانند و بعضی معتقد هستند که در خط مشی و استراتژی توسعه کشاورزی «تعول لازم» رخ نداده است. اینها همه افشا کننده گوشه‌هایی از سیاست نادرست رژیم در کشاورزی است ولی همه آن نیست، علت اساسی آنست که رژیم غیرمعمول سر و صداهای اولیه در باره «زمین برای دهقانان» خواسته است مسئله کشاورزی را بدون دهقانان و بزور سرمایه‌گذارهای خصوصی داخلی و خارجی حل کند، دولت همانطور که انتظار میرفت نه در جانب دهقانان بلکه در کنار مالکان ایستاده است، بجای آنکه حمایت مادی و معنوی خود را پشت سر شرکت‌های تعاونی روستائی قرار دهد، حمایت مادی و معنوی خود را پشت سر شرکت‌های سهامی زراعی و واحدهای کشت و صنعت قرار داده است. بجای آنکه اعتبارات کشاورزی را بطور عمده به شرکت‌های تعاونی روستائی برای تقویت بنیه مالی دهقانان تخصص دهد، و این شرکت‌ها را به عامل عمده سازماندهی تولید، توزیع و مصرف در کشاورزی بدل نماید، تمام جدیتش معطوف به جلب سرمایه خارجی در کشاورزی و تشویق و تقویت سرمایه داران داخلی است گردانندگان سیاست اقتصادی رژیم تصور میکنند میتوانند بدون دهقانان معضل کشاورزی را حل کنند، در حالیکه وضع کنونی کشاورزی نه تنها به زیان مصالح ملیونها روستا نشین، بلکه به زیان مجموعه اقتصاد کشور است. در سال ۱۳۴۸ واردات دامی ۲۰۰ در صد یعنی دو برابر سال قبل بوده است هم اکنون دولت بعلت کمبود گندم ۱۵۰۰۰۰ تن گندم از آمریکا وارد کرده است، در حالیکه بیش از ۷ میلیون هکتار اراضی هکتار از مجموع ۷۰ میلیون هکتار اراضی زیر کشت، به کشت گندم اختصاص دارد. مطبوعات ایران پیش بینی میکنند که وضع کشاورزی امسال برآب بدتر از سال گذشته خواهد بود. باز میلیونها ارز کشور برای خرید محصولات زراعی و دامی به مصرف خواهد رسید، درآمد دهقانان تقلیل خواهد یافت و این تقلیل درآمد بر روی مجموعه اقتصاد کشور اثر خواهد گذارد. آقای کاظم ودیعی استاد روستا شناسی دانشگاه تهران در باره «غیرعادی» بودن اختلاف در آمد شهری و روستائی مینویسد: «سطح رفاه و قدرت خرید یک فرد تهرانی و یک روستائی که در ۳۰ کیلومتری این شهر زندگی میکند بطور وحشتناکی متفاوت است» با این وجود آیا میتوان بدون تقویت مادی و معنوی دهقانان، ارتقاء سطح زندگی آنان و تبدیل آنان به مصرف کننده، مجموعه اقتصاد کشور را اعتلا بخشید؟ راهی که رژیم می‌رود پیرا راه است.

نامه ای از زندان

در پهنه این جهان مبارزه‌ای سخت در گیر است. مبارزه بین حق و ناحق، بین ستمگران و ستمکشان. پهنه این زمین صحنه این پیکار است. زندگی دریانست خروشان با امواج سرکش آن که بر تخته سنگهای ساحلی فرود می‌آید. مادر میان این امواج در جستجوی مروراید حقیقت تلاش می‌ورزیم. کسانی که میتوانند شنا کنند، میتوانند با امواج سرکش دریا به ستیز برخیزند، آنها که قلبی بزرگ دارند و امیدی چون کوه محکم پیروز میشوند. بسیاری کسانی که قبل از مدین خورشید چشم فرو بسته اند. ولی این تلاش همیشه ادامه یافته است. نام مردان و زنانیکه مشت بر امواج سخت زندگی کوفته اند، قهرمانانه در مقابل طوفان‌های سرکش تاریخ ایستاده اند کم نیست. تاریخ قهرمانان بسیار در دامان خود پرورانده است. قهرمانان نامدار و بی‌نام. آنها همیشه مشعلدار زندگی بوده اند. پیشاپیش دیگران گام نهاده اند و مردانه جان بر سر عقاید خود گذارده اند. یکی از آنها را ضمن این نوشته بشما معرفی میکنم: او قهرمان بینام کشور خویش است. نامه ای را که میخوانید معلوم نیست به چه وسیله ای از زندان بیرون آمده است. نویسنده حتی نام خود را جز حرف اول آن ننوشته است. نامه در یکی از زندانهای اسپانیا نوشته شده، دست بدست گشته، در شهرهای پاریس، رم، اتريش، لندن، برلین گردش کرده و حقیقتی را از یک پیکار، پیکار دشوار برای آزادی و عدالت، بیان نموده است. نویسنده آن کیست؟ سازمان‌های مترقی اسپانیا نخواستند او را معرفی کنند. فقط در پاریس نویسنده ای ناشناس در حاشیه نامه او نوشته است: «مانند او در اسپانیا بسیاریند، کسانی که خورشید را در تاریکی زندان میبینند و گرمی آنرا احساس میکنند. بکشیم ما نیز مانند او در مقابل امواج خروشان زندگی چون صخره‌های سخت با ایستیم. هرگز ناامید نشویم. پیکار را بخاطر مردم، بخاطر حقیقتی که بان باور داریم ادامه دهیم. مهم نیست در این پیکار سر نوشت ما چه خواهد شد. مهم اینست، بتوانیم حقیقت را بر پهنه این جهان بشانیم.»

و اینک نامه...
دوست ناشناس! شاید باور نکنی که این نامه بدست اسکلتی نوشته شده است. مردیکه ۳۰ سال است در زندان است، این نامه را بمناسبت سی امین سال اقامت در زندان مینویسم. کاش رشوه‌ناچیزی که برای خارج کردن آن بأمور پلیس داده ام مؤثر واقع شود و این نامه بدست تو برسد. وقتی که مرا بجرم مخالفت با دیکتاتوری فرانکو گرفتند و بزندان انداختند، ۴۰ سال داشتم اکنون پیرمردی ۷۰ ساله ام. شانس آوردم که مرا مانند هزاران نفر دیگر به تیر اعدام نرستند. من اسم اینرا میگذارم شانس ولی دشمنان من میگویند ما نخواستیم ترا با یک گلوله راحت کنیم خواستیم در گوشه زندان پیوستی و مرگ را با جان و دل بپذیری.

ولی من مرگ را نپذیرفتم چرا که زندگی را دوست داشتم و شما را که برای سعادت تان مبارزه کردم. درخیمان فرانکو ۳۰ سال است مرا هر روز شکنجه میدهند. باور نمی‌کنید ولی اگر میتوانستم جای شلاقی را که روز گذشته بر کرده ام زدند بشما نشان میدادم. روزیکه مرا باین زندان آوردند مردی بودم جوان، با چشمانی پر نور، موئی پر پشت و چهره‌ای آرام، حالا شکسته شده‌ام باور نمی‌کنید اگر بگویم با اینکه قدم بیش از ۱ متر و ۸۰ سانتیمتر است ۴۳ کیلوگرم بیشتر وزن ندارم، در این مدت اطلاعاتیکه من از دنیای خارج کسب کرده‌ام یا توسط زندانیان جدید بوده و یا بوسیله رشوه صورت گرفته است. من در زندان شکست فاشیم آلمان را جشن گرفتم و از ایجاد اردوگاه کشورهای سوسیالیستی با خبر شدم. من در زندان از پیکارهای قهرمانانه مردم آسیا و آفریقا، از پیروزی مردم چین، از شکست مقتضحانه امپریالیسم امریکا در کره، از پیروزی مردم کوبا، از نبرد قهرمانانه مردم ویتنام از جنگها و تجاوزهای متوالی امپریالیسم بکشورها و ملتها آگاه شده‌ام. من امروز حتی شماره دقیق آجرهای دیوارهای بلند زندان را میدانم و پرنده‌هایی که در شکافهای آن لانه کرده‌اند میشناسم. من ۳۰ سالست بهار را ندیده‌ام، من ۳۰ سالست درخت سبز ندیده‌ام و رنگ گل را از یاد برده‌ام ولی چهره تو ای دوست ناشناس از خاطرم زرفته است.

سی سالست مرا شکنجه میدهند که بیا و توه کن. در این سالهای آخری پیری رنگ زندگی را ببین، کمونیسیم در اسپانیا پیروز نمیشود، فرانکو و رژیم او ابدیست. من ۳۰ سالست مقاومت میکنم زیرا به پیروزی زندگی، به فتح کمونیسیم و نابودی رژیم فرانکو ایمان دارم.

بمن میگویند تسلیم شو، زندگی تو دیگر تپا شده است. من میگویم زندگی من تپا نشده است. اگر باور داریدیکه من کمونیست هستم، آیا وجود من خود دلیل پیروزی کمونیسیم نیست؟ من میتوانستم این ۳۰ سال را در زندان نمانم. میتوانستم آزادی خود را با تن در دادن به پستی بخرم، می توانستم حتی رژیم فرانکو را ستایش نکنم و فقط قول بدهم که در سیاست دخالت نخواهم کرد. میتوانستم بگویم دیگر مبارزه نخواهم کرد. ولی مگر زندگی بدون مبارزه ممکن است. مگر میتوان در اقبانوس زندگی دست و پا زده ماند تا امواج ما را خرد کند. من سی سال است که خورشید را ندیده‌ام و تنها بافتابی که بر لب بام نشسته است دل خوش کرده‌ام. ولی خورشید هرگز در قلبم نمرده است. امید هرگز از قلبم بیرون نرفته است.

دوست ناشناس! شاید وقتی این نامه را دریافت میکنی من دیگر در این جهان نیستم، از اینکه دور از دوستانم، دور از خانواده‌ام و همزمانم می‌میرم غمی ندارم. هرکس زندگی را بجنوی میدهد. برداشت هر کس از زندگی متفاوت است. من این نامه را حتی امضاء نمیکنم تا تو فکر نکنی خواسته‌ام از

خود تعریف کنم و بر تو منت بگذارم که برای آزادی و سعادت رنج سی سال زندان را بر خود هموار کرده‌ام، نه، من برای حقیقت بیا خاستم و نخواستم در مقابل کسانی که حقیقت را مسخ کرده‌اند، عدالت را بزنجیر کشیده‌اند تسلیم شوم. من نخواستم رنج بزرگ مردم میهنم را ببینم و سکوت کنم. تو هم سکوت نکن. اگر روزی مانند من دریافتی که در پهنه این زمین زندگی بهتری میتوان ساخت، برای آن مبارزه کن. از مرگ نترس، چرا که همه دیر یا زود خواهیم مرد!

کوشش نکن نام مرا بدانی، من یک انسان عادی‌ام، با قلبی پر امید و اراده ای چون بولاد. کوشش کن تو هم چون من باشی. مشت خود را گره کن و بر امواج بکوب، خورشید را ببین که از دور دست چون جامی زرین سربکشد و پهنه زمین را روشن میکند.

دنباله از صفحه ۸

«خواندنیها» و دموکراسی

ایران اجراء قانون اساسی و تأمین آزادیها و حقوق دموکراتیک است. از برابر این خواست بضرر سفسطه و دلیل تراشی نمیتوان گریخت. ایران دارای یک قانون اساسی است که در آن تکلیف کار روشن است. این قانون اساسی بهیچ فردی حق اتخاذ تصمیمات خود سرانه در باره سر نوشت کشور نمیدهد. بعلاوه ایران امضاء کننده اعزامیه جهانی حقوق بشر است. در این منشور نیز تکلیف دموکراسی روشن است. دموکراسی بدون آزادیها و حقوق دموکراتیک حرف

یوچی است. منظور از این سخن آنست که در جوامعی که در آن طبقات آنتاگونیستی (مالک و دهقان، سرمایه دار و کارگر) وجود دارند دموکراسی نمیتواند بدون احزابی نماینده این طبقات متناقضند، بدون وجود اپوزیسیون واقعی، بدون آزادی نظریات و فعالیت‌های سیاسی، قابل تصور باشد. شکل متناسب دموکراسی در جامعه طبقاتی همان شکلی است که در رشد یافته ترین کشور-هائی از این نوع وجود دارد. نوع دیگر دموکراسی، دموکراسی سوسیالیستی است که در ایران کنونی که در آن جامعه مبتنی بر طبقات متناقض حکمرواست طبیعتاً نمیتواند مطرح باشد. نوع سوم دموکراسی نیز وجود خارجی ندارد. تلاش ایده نولوگهای رژیم برای اختراع نوع سومی از قبیل «بسط مؤسسات قانونی» (بسبک کیهان) یا «حکو-مت فردی دلسوز مردم» (بسبک خواندنیها) تلاش عبثی است.

۱- س.

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه‌ای رخ ندهد، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بوقم اطلاع دهند.

دنباله از صفحه ۲

راه واقعی مبارزه با کنسرسیوم

فرصتی که بدست کنسرسیوم افتاد تا در منابع و تأسیسات نفت ایران سهم شود معلوم بی - اطلاعی ملت ایران از اهمیت و ارزش این منابع نبود، بلکه در یک شرایط اضطراری که ناشی از مبارزه دشوار ملت ایران برای بدست گرفتن زمام اختیار این ثروت ملی بود کنسرسیوم قدم پیش گذارد و قرار دادی را با ایران امضا کرد که همانوقت مقامات دولت ایران بکرات و مراتب اعتراف کردند بهیچ وجه یک قرار داد منصفانه و ناظر بر کلیه حقوق و منافع ایران نیست، بلکه باقتضای شرایط روز ملت ایران جز قبول آن چاره ای ندارد. با همه این اوصاف ایران در طول ۱۶ سال که از تاریخ عقد قرار داد و مباشرت کنسرسیوم میگذرد احترام امضای خود را حفظ کرده و در مساعدترین شرایطی که سرمایه گذار خارجی میتواند از منابع طبیعی یک کشور بهره برداری کند به کنسرسیوم امکان فعالیت داده است... وقتی ما خود را مکلف میدانیم برای شما محیط و امکانات متعدد فراهم سازیم تا شما با خاطری آسوده به تجارت خودتان برسید شما هم باید بوضعیت ما بااحتیاجات ما به ضرورت های زمان و محیط ما منتقل باشید...

اعتراف اطلاعات سخنگوی هیئت حاکمه ایران روشن است و نیازی به تفسیر ندارد. فقط معلوم نیست که چرا بقول شاه باید «در درجه اول» با کنسرسیومی «موافقت و تفاهم» انجام گیرد که بقول اطلاعات «مقامات رسمی ایران بکرات و مراتب اعتراف کردند» که قرار داد با آن «بهیچوجه یک قرار داد منصفانه و ناظر بر کلیه حقوق و منافع ایران نیست»؟ چرا باید ایران بقول اطلاعات همچنان «احترام امضای خود را» در مورد این قرار داد «حفظ» کند؟ چرا باید دست گدائی پیش انحصار یعنی برد که بزرگترین ثروت ملی را غارت میکنند؟ آیا این سازش و تسلیم نیست؟ آیا این همان روح سازش و تسلیمی نیست که موجب شد دولت ملی و قانونی دکتور مصدق سرنگون شود، قانون ملی شدن صنایع نفت ایران یا مال شود و تسلط مجدد نفتی انحصار گران نفتی بر منابع نفت ایران برقرار گردد؟

تهدید

شاه ضمناً تهدید هم کرده است. و پشتوانه این تهدید را هم قطعنامه های ساز - مان ملل متحد قرار داده است، مبنی بر این که هر دولتی حق دارد بر اساس حق حاکمیت ملی از منابع طبیعی خود در راه ترقی و توسعه اقتصادی خویش استفاده کند. تصمیم سازمان ملل متحد کاملاً درست است.

ولی آیا برای آنکه ایران حق حاکمیت خود را در مورد منابع نفت خویش اعمال کند احتیاجی بیاد آوری قطعنامه های سازمان ملل متحد است؟ مگر نه اینست که قانونی بتصویب مجلس ایران رسیده بنام «قانون ملی شدن صنایع نفت ایران»؟ چرا سخنی هم از این قانون بمان نمیآید؟ چرا نمیگویند که ما

تصمیم داریم این قانون را اجرا کنیم؟ چرا از تصویب قوانین جدید سخن میگویند؟ در گذشته هم شاه و دولت ایران کنسرسیوم را بهمین نحو «تهدید» کرده اند. ولی عملاً چیزی که بتواند واقعاً حاکمیت ملی ایران را بر منابع نفت وی تأمین کند و حتی چیزی که باخواست دولت ایران مطابقت داشته باشد بدست نیامده است، زیرا در غیر اینصورت هر سال این صحنه چانه زنی تکرار نمیشد. پس مقصود از این تهدیدها چیست؟ اگر مقصود از این تهدیدها بدست آوردن مقداری اضافی دلار است که با این ادعاهای بزرگ که «ما مصمم هستیم و غیره» جور در نیاید. و اگر این تهدیدها محتوی واقعی دارد، آنوقت باید به آن و در واقع بحق حاکمیت ملی در نفت جامه عمل پیوشد.

راه واقعی مبارزه با کنسرسیوم

راه واقعی مبارزه با کنسرسیوم اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت ایران است. این خواست مردم ایرانست که در راه تحقق این خواست عادلانه خود همچنان بمبارزه ادامه میدهند. اگر شاه و سایر مقامات حاکمه ایران میخواهند کسی به تهدیدها و ادعاهای آنان باور کند، باید در این راه گام بگذارند. از اینکه بگنیم دولت ایران حتی در اجرای خواست اصلی خود یعنی افزایش در آمد ایران از نفت کنسرسیوم، بدترین راه را در پیش گرفته است. بدین معنی که تاکنون میخواسته از راه افزایش تولید نفت در آمد خود را افزایش دهد. از این راه البته مقداری بر درآمد نفت ایران افزوده خواهد شد، ولی در همان حال بر درآمد کنسرسیوم هم اضافه خواهد شد و مهمتر آنکه این افزایش تولید موجب تشدید و بستگی ایران به کنسرسیوم خواهد شد. در حالیکه اگر دولت ایران نمیتواند و نمیخواهد بخواست واقعی ملت ایران یعنی اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت جامه عمل پیوشد، حد اقل میتواند از کنسرسیوم بطلبد که بهره مالکانه را بدرستی بپردازد، ایران را در تعیین بهای نفت شرکت دهد، منطقه عظیم فعالیت کنسرسیوم را محدود کند و راه را برای قطع تسلط آن هموار سازد. در چنین صورتی درآمد ایران از کنسرسیوم، بر مراتب بیش از آن چیزی خواهد شد که اکنون از راه افزایش تولید نفت - آنها هم با خواهش و تمنا آنطور که اطلاعات نوشته است - بدست میآید.

مردم میهن ما - بر خلاف ادعای سخنگویان رژیم - دارای آن درجه از رشد سیاسی هستند که اقدام جدی را از تهدید تو خالی باز شناسند، اقدام جدی را مورد پشتیبانی قرار دهند و تهدید تو خالی را افشا کنند.

م. انوشه

دنباله از صفحه ۱

دنباله از صفحه ۱

شادباش به دهمین کنگره

حزب سوسیالیست کارگری مجارستان

مجارستان دگر گوئیهای بنیادی پدید آمده است. زحمتکشان مجارستان تحت رهبری پیشاهنگ آزموده خود - حزب سوسیالیست کارگری مجارستان در کلیه شئون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به پیروزی های الهام بخش نائل آمده اند.

اقتصاد سوسیالیستی رشد یافته در کشور شالوده ریزی شده است و بر پایه آن رفاه زندگی مردم پیوسته افزایش مییابد. برای پیشرفت علم و تکنیک میدان وسیع گشوده شده است. تمام کامیابیهای حاصله در ساختمان سوسیالیسم با فعالیت حزب سوسیالیست کارگری مجارستان پیوند ناگسستنی دارد. کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان - ستاد پیکار جوی مارکسیستی - لنینیستی حزب - به نقش رهبری حزب بایگیری تحقق میبخشد، مناسبات اجتماعی سوسیالیستی را تحکیم میکند، دموکراسی سوسیالیستی را گسترش میدهد و در زمینه اعلامی سطح زندگی مردم گام بگام به کامیابیهای تازه ای دست میآید.

حزب پرافتخار کمونیستهای مجارستان بر اساس کاربست خلاق اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم و ضمن همکاری نزدیک با حزب بزرگ کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب برادر بنحوی خستگی نا پذیر در راه وحدت عدل کشور های سوسیالیستی و تحکیم همیوستگی انترناسیونالیستی صفوف جنبش جهانی کمونیستی و پاکیزگی آموزش مارکسیستی - لنینیستی مبارزه میکند.

جمهوری توده ای مجارستان در جامعه ملل کشورهای سوسیالیستی مقامی ارجمند دارد. سیاست دیگر صلح دوستانه، مبارزه فعال علیه دسائس تجاوز کارانه امپریالیسم و مجاهدت در راه تأمین صلح جهانی بحق و موجب افزایش اعتبار و تحکیم قدر و منزلت جمهوری توده ای مجارستان در صحنه بین المللی گردیده است.

رفقای عزیز!

مبارزه در راه آرمان های مشترک سر نوشت ما را بهم پیوند میدهد. کامیابیهای شما ما را عمیقاً شاد میکند و بما الهام میبخشد. حزب شاهمواره از مبارزه دشوار ما در راه استقلال ملی و تأمین منافع حیاتی مردم ما پشتیبانی کرده است و ما بدینمناسبت صمیمانه از شما سیاستگزاریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران کامیابیها و پیروزیهای هر چه بیشتر حزب سوسیالیست کارگری مجارستان برادر را در انجام ساختمان سوسیالیسم و در مبارزه پر ارج آن

دنباله از صفحه ۱

صد و پنجاهمین سال تولد فریدریش انگلس

سخنرانی مفصلی تحت عنوان «فریدریش انگلس، همکار مارکس در ایجاد سوسیالیسم علمی» ادا کرد. رفیق ابرت بویژه فعالیت آموزش انگلس را از جهت مسائل حاد ساختمان سوسیالیسم و از آنجمله ساختمان سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان نشان داد. رفیق ابرت کوششهای روزیو - نیستی را که میخواهند آموزش انگلس را در مقابل آموزش مارکس قرار دهند و با آنرا تنها به «عوام فهم کردن» تعالیم مارکس محدود شمارند افشا نمود و نقش برجسته انگلس را در بسط تئوری انقلابی و وحدت نظر عمیق و کامل دو پیشوای بزرگ پرولتاریا مارکس و انگلس را در کلیه مسائل تئوری و پراکتیک انقلابی برجسته ساخت.

پس از نطق اصلی همیشهای نمایندگان در بحث شرکت جستند. نماینده حزب ما سخنرانی خود را تحت عنوان «انگلس و خاور زمین» ادا کرد. از آنجا که مطالب این سخنرانی بشکل مسوط در شماره آینده دنیا (شماره سوم سال یازدهم) تحت عنوان «انگلس و جوامع خاور زمین» نشر مییابد، از تکرار آن مطالب در اینجا خود داری میکشیم. نماینده حزب ما در پایان سخنرانی خود نقش کشورهای سوسیالیستی را در اجراء وفادارانه وصایا و آرزو های مارکس و انگلس برای پیوند شرق و غرب با یک سیاست عمیق انسانی و صاح دوستانه و کمک همه جانبه بنحود آگاهی و جنبش بیداری و رهایی کشورهای خاور زمین متذکر گردید. نماینده حزب ما تصریح کرد که شرکت در مراسم یاد کرد صد و پنجاهمین سال انگلس برای حزب ما یک توفیق است و حزب از دعوت انجام شده سیاستگزار است و شگفتگی بیشتر جمهوری دموکراتیک آلمان را که در آن اندیشه های مارکس، انگلس و لنین تجسم و تجلی درخشانی یافته اند، آرزومند است.

کنفرانس علمی بین المللی در سطح عالی تئوریک و در محیط همستگی و شور سیاسی گذشت. سخنرانیهای این کنفرانس بچند زبان طبع خواهد شد.

بخطا تحقیق آرمانهای عالی جامعه بشری - در راه صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی صمیمانه آرزومند است.

زنده باد حزب سوسیالیست کارگری مجارستان - پیشاهنگ پیکار جوی زحمتکشان مجارستان سوسیالیستی!

پیروز باد مارکسیسم - لنینیسم و انتر - ناسیونالیسم پرولتاری!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

تصحیح لازم

در شماره گذشته ماهنامه مردم، بالای صفحه اول بجای شهریور ۱۳۴۹ باید مهر ۱۳۴۹ خوانده شود.

نامه شادباش مرکزی کمیته حزب توده ایران به رئیس جمهوری شیلی شیلی نیست، بلکه پیروزی تمام نیروهای دموکراتیک و مترقی جهان بر نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی است. حزب ما، حزب طبقه کارگر ایران مراتب پشتیبانی خود را از شما و از جبهه وحدت توده ای شیلی در مبارزه برای استقرار دموکراسی و ترقی در شیلی ابراز میدارد و کامیابی شما را در این کار پر ارج آرزو میکند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران - ایرج اسکندری

